

دکتر محمدرضا حافظ‌نیا

دانشگاه تربیت مدرس

شماره مقاله: ۳۴۴

## نگاهی اجمالی به وضعیت جغرافیایی پاکستان و ایالت پنجاب

**Dr. Mohammad Reza Hafeznia**

*University of Tarbiat Modares*

### **A glance over Geographical Situation of Pakistan and Punjab**

Pakistan is a country which has been separated from subcontinent in 1947, and has been situated as an interstate country between Iran and India.

This country has been established over the fertile plains of Sind and Punjab, and comprises the great civilizations of the region e. g. Mohenjodaro, Harappa, and Gandhara.

This country with respect to human geography has distinctive spatial structure which on the basis of it, the organization of political space and federal political structure have come into existence.

Islamic Republic of Pakistan is a country that has been formed on the basis of islamic ideologh, therefore it has a good relations with Islamic Republic of Iran, and both of the countries have coordinatin with together in the international arena.

This article is an opportunity for the honoured readers for brief acquaintance to the charactristics and issues of Pakistan and Punjab as the biggest provinces of Pakistan, and also Lahore as the historcal and cultural centre of the country.

الف) پاکستان:

کشور پاکستان از نظر سیاسی در ۱۴ اگوست ۱۹۴۷ م. تأسیس شد. نظریه تأسیس کشوری مستقل برای مسلمانان شبه قاره اولین بار توسط علامه دکتر محمد اقبال در کنگره مسلمانان به تاریخ ۲۶ ژانویه

۱۹۳۰ م. در شهر الله‌آباد ارائه گردید. این نظریه تدریجاً به شکل آرمان سیاسی درآمد و در کنگره حزب مسلم لیگ در شهر لاهور به سال ۱۹۴۰ م. رسماً تقاضای تأسیس پاکستان اعلام گردید. این تقاضا با رهبری محمدعلی جناح در سال ۱۹۴۷ م. عملی شد و بدین ترتیب رسماً کشور مستقل پاکستان تأسیس و زیر نظر نایب‌السلطنه انگلیس «مونت باتن» (Mount Batin) از شبه قاره هند جدا شد.

کشور پاکستان در برگیرنده دشتهای حاصلخیز پنجاب و سند می‌باشد که در تاریخ بشر گهواره تمدنهای معروفی بوده‌اند. تمدن موهنجدارو در ایالت سند، تمدن مهرگره در بلوچستان، تمدن هاراپا در پنجاب نزدیک ساهیوال و تمدن تاکسیلا یا گندهارا نزدیک راولپندی، در داخل پاکستان کنونی شکل گرفته و تکامل یافته‌اند و امروزه آثار و بقایای آنها مورد مطالعه باستان شناسان و پژوهشگران قرار دارد. از نظر موقعیت ریاضی پاکستان بین ۳۰' و ۲۳° تا ۴۵' و ۳۶° عرض شمالی و ۶۱° تا ۳۱' و ۷۵° طول شرقی قرار گرفته و مساحت آن برابر با ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع است. از حیث موقعیت نسبی این کشور از سوی شمال و شمال غرب با افغانستان، از سوی غرب با ایران، از سوی شمال شرق با چین، از سوی شرق با هند و از سوی جنوب با هند و دریای عمان یا شمال اقیانوس هند محدود می‌شود. در واقع پاکستان از یک طرف با آبهای آزاد جهان ارتباط دارد و بندر معروف کراچی این مأموریت را انجام می‌دهد و از سوی دیگر در طرف مقابل با بلندترین فلات دنیا و ارتفاعات بلند پامیر و هیمالایا مرتبط است. در گوشه شمال شرقی آن منطقه کشمیر قرار دارد؛ منطقه‌ای که مورد منازعه بین پاکستان و هندوستان بوده و این دو کشور به خاطر آن با یکدیگر خصومت دیرینه داشته، نسبت به یکدیگر احساس تهدید می‌کنند.

از حیث زمین ساختی پاکستان دارای ساختار دو بخشی است؛ بخش ارتفاعات غربی که متعلق به دوران سوم زمین‌شناسی (ترشیاری / tertiary) بوده و در امتداد کوهزایی هیمالایا قرار دارد و بخش دشتهای رسوبی پنجاب و سند که متعلق به دوران چهارم زمین‌شناسی (کواترنری / Quaternary) می‌باشد. از حیث توپوگرافی پاکستان شامل بخشهای مختلفی است که عبارتند از:

۱- ارتفاعات غربی و شمال شرقی، که از سواحل مکران در جنوب تا فلات پامیر در شمال کشیده می‌شود و بخش عمده‌ای از فلات بلوچستان را می‌پوشاند. این ارتفاعات خود به کوههای شمالی (ارتفاعات مجاور هیمالایا، پامیر و شرق هندوکش)، سفیدکوه و تپه‌های وزیرستان، کوههای سلیمان، فلات بلوچستان و بالاخره فلات پتوار (Potwar) و کوههای نمکی تقسیم می‌شود.

۲- دشتهای رسوبی که از خاک رس تشکیل شده و حاصل جریان رودخانه‌های پنجگانه سند، جهلم، چناب، راوی و ستلج هستند. این دشتهای در منطقه پنجاب و ایالت سند قرار دارند و با داشتن آب

و خاک مناسب یکی از بهترین دشتهای حاصلخیز جهان را به وجود آورده‌اند.

۳- دشتهای خشک و صحرایی جنوب غرب که بخشهایی از ایالت پنجاب و سند و بلوچستان را دربرگرفته‌اند و دارای شن روان نیز می‌باشند.

از نظر آب و هوایی پاکستان جزو منطقه گرم نیمه استوایی (Subtropical) محسوب می‌شود و بخشهایی از آن دارای آب و هوای خشک و صحرایی است (بویژه در ایالت سند و پنجاب). قسمتهایی از آن نیز شامل ایالت پنجاب و سرحد و سند در تابستان دارای اقلیم گرم و مرطوب و در زمستان دارای هوای معتدل می‌باشد. در مناطق شمالی پاکستان نظیر گلگیت و بلتستان آب و هوای کوهستانی غلبه دارد. بارانهای پاکستان در زمستان و تابستان می‌بارد. این بارانها در زمستان تحت تأثیر بادهای غربی و در تابستان؛ بویژه ماههای تیر و مرداد (جولای و اگوست) که بیشترین میزان بارندگی را دارد، تحت تأثیر بادهای و توده‌های هوای موسمی که از اقیانوس هند منشاء می‌گیرند قرار دارد.

پاکستان در سال ۱۹۸۱ م. براساس سرشماری انجام شده تعداد ۸۴۲۵۳۶۴۴ نفر جمعیت داشته که طبق برآوردها در سال ۱۹۹۵ م. به ۱۲۸۸۰۵۲۱۱ نفر رسیده است<sup>۱</sup>. از این حیث پاکستان پس از کشورهای چین، هند، شوروی سابق، امریکا، اندونزی، برزیل، ژاپن و بنگلادش نهمین کشور جهان می‌باشد. از جمعیت سال ۱۹۸۱ م. حدود ۲۸ درصد در مناطق شهری و حدود ۷۲ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. طبق آمارهای ارائه شده در حال حاضر قریب به ۳۰ درصد جمعیت پاکستان با سواد و بقیه از نعمت سواد محرومند<sup>۲</sup>. تراکم جمعیت در سال ۱۹۸۱ م.، برابر با ۱۰۵ نفر در کیلومتر مربع و میزان رشد جمعیت ۳/۱ درصد بوده است. در همان سال درصد جمعیت قابل اشتغال کشور ۲۸/۷ درصد و ضریب بستگی برای هر نفر ۲/۴۸ بوده است. از جمعیت شاغل، حدود ۵۴ درصد در بخش کشاورزی، ۱۳/۱ درصد در بخش صنعت و ۳۲/۹ درصد در بخش خدمات به کار مشغولند. از نظر ترکیب زبانی در سال ۱۹۸۱ م.، حدود ۷/۶ درصد اردو زبان، ۴۸/۲ درصد پنجابی زبان، ۱۳/۲ درصد پشتو زبان، ۱۱/۸ درصد سندی زبان، ۳ درصد بلوچ زبان، ۱/۲ درصد براهوئی زبان، ۲/۴ درصد هیندکو زبان، ۹/۸ درصد سرائیکی زبان و ۲/۸ درصد متکلم به بقیه زبانها نظیر فارسی بوده‌اند.

از نظر ترکیب دینی چون پاکستان کشوری اسلامی است؛ بنابراین قسمت اعظم جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. براساس آمار سال ۱۹۸۱ م. از کل جمعیت پاکستان ۹۶/۷ درصد مسلمان و

۱- در پاکستان از سال ۱۹۸۱ تاکنون سرشماری عمومی انجام نشده است.

۲- اظهارات وزیر آموزش و پرورش ایالت پنجاب در بهمن ماه ۱۹۹۴.

۳/۳ درصد غیرمسلمان و اقلیت بوده‌اند. در ایالتها، از جمعیت ایالت سند ۹۲/۳ درصد، پنجاب ۹۷/۵ درصد، بلوچستان ۹۸/۳ درصد، سرحد ۹۹/۵ درصد و از مناطق قبیله‌ای فاتا (FATA) ۹۹/۶ درصد مسلمان هستند.

از بین غیرمسلمانان، مسیحیان و هندوان در اکثریتند، یعنی مسیحیان ۱/۶ درصد، هندوان کمتر از ۱/۵ درصد و بقیه ادیان شامل قادیانی، زرتشتی، بودایی و سیک حدود ۰/۲ درصد از کل جمعیت پاکستان را شامل می‌شوند.<sup>۴</sup>

در خصوص ترکیب مذهبی مسلمانان آمار دقیقی در دست نیست. برخی اظهار می‌کنند که قریب ۲۵ درصد جمعیت مسلمان پاکستان را شیعیان تشکیل می‌دهند.<sup>۵</sup> بعضی شیعیان را کمتر از این تعداد می‌دانند، ولی به نظر می‌رسد جمعیت شیعیان پاکستان حداقل ۲۰ درصد جمعیت کل پاکستان است.<sup>۶</sup> که در ایالت‌های مختلف بویژه منطقه کشمیر پراکنده‌اند. در بین شیعیان تعدادی از شیعیان اسماعیلیه نیز مشاهده می‌شوند که بیشتر در سند، جنوب پنجاب و منطقه کشمیر سکونت دارند.

اهل سنت پاکستان نیز که حدود ۷۵ درصد جمعیت پاکستان را شامل می‌شوند عمدتاً حنفی مذهب هستند که به دو گروه بزرگ بریلوی و دیوبند تقسیم می‌شوند. تعداد اندکی از اهل سنت را پیروان اهل حدیث و وهابیان تشکیل می‌دهند.

پاکستان از حیث اقتصادی، بیشتر کشوری کشاورزی است و صنایع عمده آن نیز بر پایه تولیدات کشاورزی شکل گرفته است. صنعت نساجی سهم بسزایی از صنعت پاکستان را به خود اختصاص می‌دهد. برنج، پنبه، نیشکر و گندم از محصولات عمده کشاورزی پاکستان است. دامپروری در زمینه پرورش گاو و گاو میش و گوسفند رواج دارد. محصولات دامی و کشاورزی مزبور نه تنها نیاز جامعه پاکستان را بر طرف می‌کند بلکه مازاد آن، هم به صورت خام صادر می‌شود و هم به عنوان ماده اولیه صنایع غذایی، نساجی، و نظایر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. صنایع غذایی، نساجی، چرم، الیسه، صنایع دارویی و دستی، تولید وسایل جراحی و ورزشی سهم قابل توجهی در صادرات پاکستان دارند.

3- Fedrelly Administered Tribal Area.

4- Karim Khan, Fazle; *A Geography of Pakistan*; Oxford University Press; Karachi; 1995; P. 75-98.

۵- صافی، قاسم، سفرنامه پاکستان، انتشارات کلمه، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۷۷.

6- Afak Haydar; *Pakistan 1992*; Westview Press, U. S. A.; P. 76.

بخشی از نیروی انسانی مازاد پاکستان نیز در کشورهای حوزه خلیج فارس مشغول فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بوده و در تأمین ارز مورد نیاز کشور سهم قابل توجهی دارند.

پاکستان در زمره کشورهای جهان سوم محسوب می‌شود که دارای مشکلات بزرگی نظیر فزونی جمعیت، کشمکش‌های سیاسی احزاب، گوناگونی نواحی فرهنگی، فقر اقتصادی، نیروی کار ارزان، معضلات شهرنشینی، آلودگی محیطی و ضعف بهداشت عمومی، بالا بودن ضریب بیسوادی، درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای و مشکلات امنیتی ناشی از آن می‌باشد.

این کشور عضو سازمان ملل بوده و سعی می‌کند از کمک‌های مؤسسات بین‌المللی و کشورهای دیگر برخوردار باشد. سیاست خارجی آن، هم‌گاهی تحت تأثیر همین استراتژی قرار می‌گیرد. پاکستان با تمام کشورهای جهان سواي اسرئیل روابط دوجانبه دارد. ساختار فرهنگی کشور میبین وجود خرده ناحیه‌های متعددی است که تجانس فرهنگی کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد، زیرا این کشور از حیث جغرافیای انسانی و فرهنگی دارای وحدت و تجانس نیست و به خرده نواحی جغرافیایی تقسیم می‌شود که عمده‌ترین آنها عبارتند از: ناحیه فرهنگی پنجاب، ناحیه فرهنگی سند و مهاجرین، ناحیه فرهنگی بلوچستان، ناحیه فرهنگی سرحد، ناحیه فرهنگی کشمیر و مناطق شمالی، ناحیه فرهنگی سرائیکی. این خود یکی از عوامل پایه‌ای است که در نقطه مقابل تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور قرار دارد. عوامل وحدت آفرین ملی در پاکستان عبارتند از:

۱- ایدئولوژی اسلامی به عنوان مبنای تشکیل پاکستان که متأسفانه گسترش درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای آن را تهدید می‌کند.

۲- ارتش که وفاق عمومی درباره آن وجود دارد و به عنوان عامل حفظ امنیت ملت و کشور در مقابل تهدیدات خارجی شناخته شده و از نظر مردم پاکستان مورد احترام است. به همین دلیل در شرایط حاد سیاسی داخلی بطور طبیعی انتظار می‌رود ارتش وارد عمل شود. تاکنون چندبار این حادثه به وقوع پیوسته، حکومت‌های نظامی بر سر کار آمده‌اند و با هیچ‌گونه مقاومت مردمی نیز روبرو نشده‌اند. از بدو تأسیس پاکستان تاکنون طول عمر حکومت‌های نظامی و یا رؤسای جمهور ژنرال، از طول عمر حکومت‌های غیرنظامی بیشتر بوده است.

۳- مسأله کشمیر به عنوان عامل نزاع بین هند و پاکستان که مردم پاکستان درباره آن احساس درد مشترک دارند و در خصوص آن همگرایی دارند. این بدان سبب است که ملت پاکستان حضور هند در کشمیر را تهدیدی علیه امنیت ملی پاکستان می‌داند و افزون بر آن از نظر عاطفی نسبت به مسلمانان کشمیری احساس دلسوزی می‌کند.

۴- احساس تهدید خارجی از ناحیه هند: پاکستانیها به عنوان مردمی مسلمان نسبت به دولت و کشور هند حساسیت شدیدی دارند؛ زیرا اولاً خطرات تلخ دوره استقلال و جدایی از هند و رفتار خشن هندوان و مسلمانان با یکدیگر را فراموش نکرده‌اند و ثانیاً بعد از استقلال سه بار بین هند و پاکستان درگیری سیاسی و نظامی رخ داده و نیروهای ارتش هند از مرز گذشته و پاکستان را مورد حمله قرار داده‌اند (سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱)<sup>۷</sup>.

۵- احساس نگرانی نسبت به بعضی امور و منافع ملی: به عنوان مثال با توجه به نقش بندر کراچی در سرنوشت ملی و امنیت و سلامت اقتصادی و ارتباطی کشور، زمانی که پدیده نهضت قومی مهاجر (M. Q. M) در سال ۱۹۹۵ اوج گرفت و زمزمه‌های جدایی بروز کرد، نیروهای سیاسی و مردمی داخل پاکستان فعال شده و به سوی همگرایی برای مقابله با این تهدید کشیده شدند. کشور پاکستان براساس خرده نواحی عمده فرهنگی به چند واحد سیاسی - اداری تحت عنوان ایالت تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱- ایالت پنجاب با ۲۵/۸ درصد مساحت و ۵۴/۱ درصد جمعیت کشور.

۲- ایالت سند با ۱۷/۷ درصد مساحت و ۲۴ درصد جمعیت کشور.

۳- ایالت سرحد با ۹/۴ درصد مساحت و ۱۳/۱ درصد جمعیت کشور.

۴- ایالت بلوچستان با ۴۳/۶ درصد مساحت و ۵/۷ درصد جمعیت کشور.

۵- اسلام‌آباد و ناحیه فدرال با ۰/۱ درصد مساحت و ۰/۵ درصد جمعیت کشور.

۶- منطقه قبایلی فاتا با ۳/۴ درصد مساحت و ۲/۸ درصد جمعیت کشور.

لازم به ذکر است که درصد جمعیت نواحی مختلف بر اساس برآوردهای سال ۱۹۹۵ سنجیده شده است.

#### ب) ایالت پنجاب:

ایالت پنجاب بین ۴۲' و ۲۷° تا ۲' و ۳۴° عرض شمالی و ۱۸' و ۶۹° تا ۲۳' و ۷۵° طول شرقی قرار گرفته و دارای ۲۰۵۳۴۴ کیلومتر مربع مساحت است. بخش عمده پنجاب را دشتها و زمینهای مسطحی فراگرفته است که بین رودخانه‌های مختلفی که نهایتاً به هم پیوسته و رود بزرگ سند را تشکیل می‌دهند، قرار دارند. این دشتها به دو آب معروفند. ایالت پنجاب از سوی شمال با ایالت بلوچستان، از

7- Hafeznia. M. R; "Geopolitical Analysis of the Kashmir crisis"; *South Asian Studies*: Volume II, No. 1; January, 1994; Lahore; P. 125.

سوی شمال شرق با کشمیر، از سوی جنوب با ایالت سند و از سوی جنوب شرق و مشرق با کشور هندوستان به عنوان مهمترین متخاصم پاکستان همسایه است.

پنجاب واژه فارسی است به معنی پنج آب یا پنج رودخانه بزرگ که بعضاً از فلات تبت و منطقه پامیر و کشمیر سرچشمه می‌گیرند. این رودخانه‌ها در دشت پنجاب به هم نزدیک شده، در بخش مرکزی و جنوبی آن به هم پیوسته و تشکیل رود بزرگ سند را می‌دهند.

این پنج رودخانه به ترتیب از جنوب به شمال عبارتند از: ستلج، راوی، چناب، جهلم و ایندوس یا سند. از حیث زمین‌شناسی حاشیه شمال شرق و شرق و شمال غرب پنجاب متعلق به دوره مزوزوئیک و سایر بخشها متعلق به دوره‌های جدید و عمدتاً کواترنری است. از حیث توپوگرافی بخشهای مشخص زیر در آن وجود دارد<sup>۸</sup>:

۱- بخش شمال غربی ایالت که دارای ارتفاعات و تپه‌های مشرف به دشت است و ارتفاع آنها گاه به ۱۵۰۰ متر می‌رسد.

۲- ارتفاعات غربی و جنوبی در حوالی مرز بلوچستان، که متعلق به کوههای سلیمان بوده و حداکثر ارتفاع آنها به ۳۳۰۰ متر می‌رسد.

۳- فلات پتوار (Potwar) که بین ارتفاعات شمال غربی و تپه‌های نمکی شرق قرار دارد. به عبارت دیگر از حوالی شهر راولپندی تا حوالی شهر جهلم کشیده می‌شود و متوسط ارتفاع آن بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر است.

۴- دشتهای حاصلخیز دوآبی که بین رودخانه‌های پنجگانه قرار گرفته و به قلب کشاورزی پاکستان تبدیل شده است.

۵- صحاری جنوب غربی که دارای اقلیم خشک و شنهای روان می‌باشد. این منطقه در شهرستان بهاولپور و در همسایگی مرز هند و ایالت سند قرار گرفته است.

از نظر آب و هوایی، ایالت پنجاب دارای هوایی خشک در زمستان است، با باران مختصری در حدود ۱۲۵-۱۰۰ میلیمتر که ناشی از بادهای غربی و مدیترانه‌ای است و از ماه دسامبر تا مارس می‌بارد. از ماه آوریل تا ژوئن هوا رو به گرمی می‌رود و گاهی اوقات با بارندگی محدودی در حدود ۲۰-۲۵ میلیمتر همراه است که ناشی از تغییرات جوی محلی و رعد و برق می‌باشد. درجه حرارت در ماه ژوئن که گرمترین ماه سال است گاهی به حدود ۵۰-۵۱ درجه سانتیگراد می‌رسد.

8- Kureshy, K. U; *Geography of Pakistan*; National Book Service; Lahore; 1995; P. 222.

از ماه ژوئیه تا سپتامبر فصل بارندگی و کاهش محسوس درجه حرارت فرا می‌رسد که ناشی از بادهای موسمی است و بین ۲۰۰-۵۰۰ میلیمتر باران می‌بارد. از ماه اکتبر تا نوامبر هوا رو به خنکی می‌رود که گاهی با بارندگی مختصری در حدود ۲۵-۳۰ میلیمتر همراه است و از تغییرات جوی محلی ناشی می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت که هوای پنجاب در زمستان خنک و در تابستان گرم و مرطوب است. بارندگی سالیانه آن بطور متوسط بین ۴۵۰-۵۵۰ میلیمتر می‌باشد. پربارانترین منطقه پنجاب و پاکستان در حاشیه شمال شرقی ایالت (شهرهای سیالکوت، گجرات، جهلم) واقع است که میزان بارش آن گاهی به حدود ۷۵۰ میلیمتر در سال می‌رسد. برعکس در بخشهای جنوب غربی و صحاری این منطقه میزان بارندگی به ۱۰۰-۱۲۵ میلیمتر کاهش می‌یابد.<sup>۹</sup>

در لاهور میانگین درجه حرارت گرمترین ماه سال ۳۵ و سردترین ماه آن ۱۰ تا ۱۲ درجه سانتیگراد است. حداکثر مطلق نیز در حدود ۴۹ درجه سانتیگراد می‌باشد. در بین شهرهای پنجاب شهر مولتان به گرمترین شهر معروف است. میانگین حرارت گرمترین ماه سال در آن به ۳۶ و حداکثر مطلق به ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسد.

ایالت پنجاب به دلیل برخورداری از بارندگی نسبتاً خوب، همچنین وجود رودخانه‌ها و منابع آب فراوان، عموماً به صورت منطقه‌ای کشاورزی همراه با مراتع و پوشش جنگلی که در حاشیه آن قرار دارد، درآمده و منطقه‌ای سرسبز را تشکیل می‌دهد. در مناطق شرق و شمال شرق؛ بویژه در ارتفاعات و تپه‌ها؛ مانند منطقه مری و اسلام‌آباد، پوشش گیاهی جنگلی تَنک و یا نسبتاً متراکم وجود دارد.

ایالت پنجاب براساس سرشماری سال ۱۹۸۱ با داشتن ۴۷۲۹۲۴۴۱ نفر حدود ۵۶ درصد جمعیت کل پاکستان را دارا بوده است.<sup>۱۰</sup> براساس برآوردها تعداد آن در سال ۱۹۹۵ به ۶۹۶۵۹۳۸۴ نفر، یعنی ۵۴/۱ درصد کل جمعیت رسیده است. از جمعیت سال ۱۹۸۱ در حدود ۱۳۰۵۱۰۰۰ نفر در شهرها و در حدود ۳۴۲۴۱۰۰۰ نفر در روستاها زندگی می‌کردند (یعنی ۵۴/۷ درصد جمعیت شهری و ۱۹/۷ درصد جمعیت روستایی کل پاکستان). در همان سال در حدود ۹۱۷۶۰۰۰ نفر؛ یعنی ۱۹/۴

9- Oxford Atlas for Pakistan; Oxford University Press; Karachi; 1995; P. 3 .

10- Pakistan Statistical Yearbook 1994; Federal Bureau of Statistics; Government of Pakistan; Karachi 1995;P. 16.



درصد از جمعیت دهساله به بالا در پنجاب باسواد بودند (۶۲/۵ درصد جمعیت باسواد کل پاکستان). نسبت جمعیت شهرنشین ایالت پنجاب از ایالت‌های دیگر بیشتر بوده و حدود ۶۰ درصد شهرنشینان پاکستان در این ایالت به سر می‌برند. از حدود ۱۰ شهر رتبه اول پاکستان از حیث جمعیت، ۷ شهر آن در ایالت پنجاب قرار دارند که به ترتیب عبارتند از: لاهور، فیصل آباد، راولپندی، مولتان، گجرانواله، سیالکوت، سرگودا.

شهر لاهور که بعد از کراچی دومین شهر جمعیتی پاکستان است از نقش تاریخی و موقعیت سیاسی و فرهنگی خود سود می‌برد. فیصل آباد نیز که نام قبلی آن لیالی پور بوده است به عنوان یک شهر صنعتی رو به رشد شناخته شده و در ایالت پنجاب همانند رقیبی برای لاهور مطرح است. از جمعیت سال ۱۹۸۱ حدود ۲۴۸۷۹۰۰۰ نفر را مردان و ۲۲۴۱۳۰۰۰ نفر را زنان تشکیل می‌دادند. تراکم نسبی جمعیت نیز ۲۳۰ نفر در کیلومتر مربع بوده که این رقم در سال ۱۹۹۵ به ۳۳۹ نفر افزایش یافته است.

توزیع جمعیت در سطح ایالت پنجاب یکسان نیست. مناطق شرقی و شمالی؛ بویژه محور لاهور به اسلام‌آباد پرجمعیت‌تر و مناطق غربی و جنوبی نظیر میانوالی، بکر، دیره غازی خان و بهاولپور کم‌جمعیت‌تر می‌باشند.

از حیث ترکیب قومی، گروه‌های جمعیتی جات، راجپوت، آریائی، گوجار و عوان در منطقه وجود دارند.<sup>۱۱</sup>

از حیث دینی، برابر آمار سال ۱۹۸۱ م، در حدود ۹۷/۵ درصد جمعیت پنجاب را مسلمانان تشکیل می‌دهند (۴۶۱۱۰۲۰۵ نفر). در بین اقلیت‌های دینی پاکستان بخش عمده‌ای از مسیحیان در پنجاب زندگی می‌کنند (۱۰۶۱۰۳۷ نفر) که بیشتر در بخش‌های شمالی و شرقی نظیر منطقه لاهور، شیخوپوره، گجرانواله و سیالکوت سکونت دارند.<sup>۱۲</sup> سایر گروه‌های مذهبی ایالت پنجاب به ترتیب عبارتند از: احمدیها و قادیانها با ۶۳۶۹۴ نفر، هندوها با ۲۹۲۶۸ نفر، زردشتیها با ۱۷۶۶ نفر، سیکها با ۸۳۲ نفر، بوداییها با ۷۵۶ نفر و سایرین با ۲۴۸۸۳ نفر.<sup>۱۳</sup>

از حیث اقتصادی، پنجاب از ایالت‌های دیگر برجسته‌تر است. در حدود ۶۸ درصد نواحی حاصلخیز پاکستان همراه با ۷۰ درصد زمینهای آبی در این ایالت قرار دارد. مکانیزاسیون کشاورزی در این ایالت نسبت

11- Kureshy, K. U; op. cit; P. 225.

12- Karim Khan, Fazla; op. cit; P. 98.

13- Pakistan Statistical Yearbook 1994; P. 62.

به دیگر ایالتها در بالاترین حد می‌باشد و حدود هشتاد درصد تراکتورهای کشور در این ایالت کار می‌کنند. خاکهای رسوبی بسیار حاصلخیز، تسهیلات آبیاری مناسب و کافی، کاربرد تولیدات کشاورزی و در دسترس بودن مواد اولیه صنعتی باعث تراکم جمعیت زیادی در این ایالت شده است. در اقتصاد کشاورزی - صنعتی ایالت، کشاورزی نقش مسلط را دارد. در سال ۸۲ - ۱۹۸۱ در حدود ۱۱/۵ میلیون هکتار از اراضی آن مورد استفاده کشاورزی بود و در حدود ۲۳ درصد آن بیش از یک بار زیرکشت قرار داشت. حدود ۱۰/۳ میلیون هکتار از اراضی ایالت زیرکشت آبی قرار دارد که ۷۰ درصد آن از کانال و بقیه با استفاده از روشهای دیگر؛ نظیر موتور پمپ، چاههای عمیق و غیره آبیاری می‌شود.

در پنجاب می‌توان با بهبود روشهای آبیاری و داشت و برداشت، کیفیت کار و میزان محصول را بالا برد و با تأمین آب، زمینهای بیشتری را بخصوص در مناطق جنوبی و غربی به زیرکشت برد. مهمترین محصول کشاورزی منطقه پنجاب گندم است و حدود ۷۲ درصد اراضی زیرکشت گندم در پاکستان به ایالت پنجاب اختصاص دارد. پنجاب همچنین ۸۰ درصد اراضی زیرکشت پنبه، ۶۲ درصد مزارع نیشکر و ۵۹ درصد شالیزارهای کل پاکستان را در بر می‌گیرد.

پنجاب از حیث صنعتی اهمیت زیادی دارد و واحدهای صنعتی تدریجاً در حال افزایش هستند. مهمترین صنعت از حیث تعداد و نیز نیروی انسانی و حجم تولید، صنعت نساجی است. حدود یک چهارم مجموع شاغلان بخش صنعت کشور، در صنایع نساجی؛ بویژه صنایع پنبه‌ای به کار مشغولند. سایر صنایع ایالت پنجاب عبارتند از: البسه پنبه‌ای، پنبه پاک‌کنی، صنایع شیمیایی، فرش، آهن و فولاد، ماشین‌سازی، وسایل الکتریکی، ابزار جراحی، دوچرخه، جوراب و کشفاف، وسایل ورزشی، صنایع غذایی که در زمینه‌های تولید شکر، بیسکویت، شیرینی، روغن خوراکی و لبنیات فعالیت دارند و نیز صنایع دستی شامل تولیدات چوبی، کارهای فلزی، سیمان و ...

در زمینه‌های ارتباطی نیز پنجاب موقعیت برجسته‌ای دارد. در حدود نیمی از کالا و مسافری که در سطح پاکستان جا به جا و توزیع می‌شود به ایالت پنجاب تعلق دارد<sup>۱۴</sup>.

پنجاب در زمینه تجارت خارجی پاکستان نیز نقش قابل توجهی دارد. بخش عمده‌ای از کالاهای صادراتی کشور نظیر برنج، پنبه، شکر، مواد غذایی، تولیدات دامی، و همچنین قسمت مهمی از صادرات صنعتی نظیر منسوجات پنبه‌ای، چرم، کالاهای ورزشی، ابزارهای جراحی و غیر آن به ایالت پنجاب تعلق دارد.

### تاریخ و باستان‌شناسی پنجاب

ایالت پنجاب از نظر تاریخی و باستانی دارای ریشه‌ای عمیق و پیشینه‌ای بسیار کهن است. خاک حاصلخیز همراه با آب فراوان، انگیزه‌ای قوی برای تجمع انسانها و تشکیل تمدن‌ها بوده است. تمدن‌های هاراپا (۲۵۰۰ ق. م.) و تاکسیلا (گندهارا) در این ایالت شکل گرفته و بقایای آنها تا امروز نیز به جای مانده است. هاراپا در حوالی ساهیوال در بخش جنوبی پنجاب و تاکسیلا در حوالی راولپندی و بین راه اسلام‌آباد به پیشاور در شمال شرق ایالت قرار گرفته است. تاکسیلا را مرکز توسعه و رشد بودیسم در منطقه می‌دانند و یکی از ویژگیهای آن وجود اولین دانشگاه پزشکی جهان در آن است.

تاریخ پنجاب حکایت از تهاجمها و سلطه‌جوییهای فراوان دارد. موقعیت جغرافیایی آن باعث شده است که اقوام مهاجم از آن به عنوان گذرگاه بزرگی برای رسیدن به شبه‌قاره و فلات دکن استفاده کنند. همچنین حاصلخیزی و استعداد کشاورزی و اقتصادی دشتهای پنجاب انگیزه خوبی برای اقوام مهاجم جهت تسلط بر آن بوده است. از سال ۵۱۸ قبل از میلاد فارسها و دولت هخامنشی بر آن فرمانروایی داشتند و پنجاب به عنوان یکی از ساتراپ‌های داریوش شناخته می‌شد<sup>۱۵</sup>. در سال ۳۲۶ قبل از میلاد اسکندر مقدونی برای مدت ۹ سال بر آن تسلط یافت. سپس امپراتوری موریان (Mauryan) به وسیله چاندرانگوپتا که قبایل شمال غرب را علیه اعقاب اسکندر بسیج نمود در آن تأسیس شد و ابتدا تاکسیلا و سپس پاتلی پترا را پایتخت خود قرار داد. از حدود یک قرن قبل از میلاد و قرون اولیه میلادی پنجاب هدف تهاجم اقوام مختلفی قرار گرفت. این اقوام مهاجم عبارتند از: سکاها، پارتها (اشکانیها)، کوشانها و هونهای سفید که پس از آن دوره طولانی بی‌ثباتی سیاسی آغاز شد.<sup>۱۶</sup>

مسلمانان برای اولین بار در سال ۷۱۲ م. یعنی زمانی که محمد بن قاسم از طریق ایالت سند، شهر مولتان را تصرف نمود<sup>۱۷</sup>، به پنجاب دسترسی پیدا کردند. پس از آن تهاجم غزنویان از طریق افغانستان کنونی آغاز شد (از ۱۰۰۱ تا ۱۰۲۷). بعد از آن پنجاب برای مدت ۵۰۰ سال بین غزنی، کابل و دهلی دست به دست گشت. با سقوط غزنویان سلسله غوریان حاکم گردید و آنها توانستند دهلی را تصرف

15- Pakistan; Stacey International; London; 1977; P. 162.

16- Ibid; P. 224.

17- Ibid; P. 2.

۱۷- حاج سیدجوادی، سیدکمال، میراث جاودان، جلد ۱، رابزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اسلام‌آباد، ۱۳۷۰، ص ۱۴.

نمایند و آن را برای قرن‌ها به مرکز حکومت مسلمانان در شبه قاره تبدیل کنند سلسله‌های مسلمان حاکم بر دهلی از سال ۱۲۰۶ م. تا ۱۵۲۶ م. به مدت ۳۲۰ سال به ترتیب عبارت بودند از؛ سلسله ممالیک، سلاطین خلجی (۱۲۹۶-۱۳۲۱ م.)، سلاطین تغلیه (۱۳۲۱-۱۳۹۸ م.) سلاطین سادات و لودهی.

پس از انقراض سلاطین لودهی، عصر جدیدی در تاریخ منطقه آغاز گردید و آن پیدایش سلسله جدیدی بود که به بابریان معروف بود. پایه‌گذار این سلسله فردی بنام ظهیرالدین بابر است (۱۵۲۶-۱۵۳۰ م.) که با پنج پشت، خود را به تیمور لنگ نسبت می‌داد. این سلسله عناوین مختلفی دارد که جملگی اطلاق به آن می‌باشد؛ نظیر بابریان، تیموریان، مغولها، گورکانیان، تاتاریان و جغتائیان که مشهورترین آن همان تیموریان و مغولها است.<sup>۱۸</sup> این سلسله (۱۵۲۶-۱۷۰۷ م.) تا پایان حیات ششمین پادشاه آن یعنی اورنگ زیب عالمگیر، با قدرت تمام بر شبه قاره هند و پنجاب فرمانروایی کرد و آثار تاریخی مشهوری را در دهلی و لاهور و ... از خود به جا گذاشت که معروفترین آنها قلعه‌ها و مساجد است. شاهان معروف این سلسله عبارتند از:

- ۱- بابر (ظهیرالدین) (۱۵۲۶-۱۵۳۰ م.)؛ که چهار سال حکومت کرد و با پنج پشت به تیمور می‌رسید.
- ۲- همایون (نصیرالدین) (۱۵۳۰-۱۵۵۶ م.)؛ که از شیرشاه افغانی موسوم به شیرشاه سوری شکست خورد و پس از حمایت شاه طهماسب صفوی مجدداً به قدرت رسید.<sup>۱۹</sup>
- ۳- اکبر جلال‌الدین (۱۵۵۶-۱۶۰۵ م.)؛ که اولین شاه تیموری بود که لاهور را برای مدتی پایتخت خود قرار داد.

### شیرشاه‌های افغانی و مطالعات فرهنگی

۱۸- آفتاب، اصغر، تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان (تیموریان بزرگ)، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور ۱۳۶۴، ص ۱۹.

۱۹- شیرشاه دارای قدرت تدبیر و مدیریت خوبی بود و توانست با متشکل کردن افغانه، به حکومت تیموریان در شبه قاره خاتمه دهد؛ ولی پس از چهار سال بطور ناگهانی فوت کرد. او در مدت کوتاه عمرش کارهای زیادی انجام داد و روش کشورداری و حسن تدبیر او الگوی اکبرشاه و حتی انگلیسیها قرار گرفت. همایون پس از شکست از شیرشاه از طریق سیستان و هرات به قزوین نزد شاه طهماسب صفوی رفت و مورد استقبال واقع شد. او پس از فوت شیرشاه همراه لشکری از قزلباشها و با حمایت شاه طهماسب به شبه قاره ناخت و با استفاده از نزاع بین بازماندگان شیرشاه، پنجاب و لاهور را گرفت و پس از ۱۵ سال بار دیگر به دهلی رفت و سلسله تیموریان را پابرجا کرد. وی سرانجام پس از شش ماه از ورود به دهلی از بالای بام کتابخانه سلطنتی افتاد و مرد.

۴- جهانگیر (نورالدین) (۱۶۰۵-۱۶۲۸ م.)؛ که قلعه شاهی لاهور را توسعه بخشید و آن را پایتخت خویش قرار داد. وی با نورهان زن ایرانی ازدواج کرد و در لاهور مدفون گردید.

۵- شاهجهان (شهاب‌الدین) (۱۶۲۸-۱۶۵۸ م.)؛ که با ممتاز محل زن ایرانی ازدواج کرد و بنای معروف تاج محل را در آگرای هند، و باغ شالیمار را در لاهور ساخت.

۶- اورنگ زیب عالمگیر (محمی‌الدین) (۱۶۵۹-۱۷۰۷ م.)؛ که مسجد معروف پادشاهی لاهور را ساخت. بعد از مرگ اورنگ زیب سلسله تیموری رو به ضعف نهاد و بر اثر حمله نادرشاه افشار در نیمه اول قرن هیجدهم میلادی (سال ۱۷۳۹ م.) و احمدشاه ابدالی بیشتر تضعیف گردید. ولی اعقاب تیموریان در لاهور و دهلی و در قلمروهای محدودتر و تجزیه شده‌ای به حکومت خود ادامه دادند. سیکها از این فرصت استفاده کرده، پنجاب و لاهور را متصرف شدند. رانجیت سینگ حاکم معروف سیک، در سال ۱۷۹۲ م. بر لاهور و پنجاب مسلط شد. در واقع بخش غربی شبه قاره از کنترل شاهان تیموری خارج شد. انگلیسیها در سال ۱۸۴۹ م. با شکست جانشینان رانجیت سینگ در قلعه پادشاهی لاهور به حکومت آنها خاتمه دادند و پنجاب را متصرف شده، حاکم انگلیسی در آن منصوب نمودند. این وضعیت تا استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷ م. ادامه داشت.

تاریخ پنجاب نشان می‌دهد که حکومت در این منطقه عمدتاً به عهده افرادی بوده است که از خارج منطقه؛ بویژه آسیای میانه، ایران و افغانستان آمده و سلسله‌ای را در آن پایه‌گذاری نموده و اعقاب آنها نیز فرمانروایی داشته‌اند. در این میان دهلی در شبه قاره از اوایل قرن سیزدهم، نقش برجسته‌ای داشته و تأثیرات فرهنگی و سیاسی و فکری خود را بر پنجاب به جا گذاشته است.

در دوره غزنویان، پنجاب تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و فارسی بوده و خود نیز بر شبه قاره تأثیر داشته است. از زمان غوریان و در دوره سلاطین مسلمان، قطب قدرت سیاسی همراه با بار فرهنگی به دهلی تغییر مکان داد و لاهور و پنجاب زیر نظر آن قرار گرفت. از اوایل قرن شانزدهم و در دوره تیموریان قدرت سیاسی بیشتر در دهلی متمرکز بود ولی گاهی اوقات به لاهور تغییر مکان می‌داد. آنچه مسلم است این است که؛ در این دوره‌ها حتی در دوره استعمار بریتانیا، از نظر سیاسی و فرهنگی دهلی نقش اول و لاهور تقریباً نقش درجه دوم را در شبه قاره داشته است.

بعد از استقلال پاکستان، ایالت پنجاب به دو بخش تقسیم شد؛ پنجاب شرقی در قلمرو هند و پنجاب غربی در قلمرو پاکستان، لاهور به عنوان مرکز پنجاب غربی باقی ماند و پنجاب شرقی فاقد قطب عمده سیاسی و فرهنگی گردید. در سال ۱۹۵۵ م. ایالت شاهزاده‌نشین بهاولپور نیز به پنجاب ملحق شد و به صورت یک شهرستان تابع درآمد.

پنجاب در تاریخ گذشته خود دارای نقش مذهبی نیز بوده و در شکل‌گیری و پخش مذاهب به اطراف نقش مهمی بازی کرده است.

در سال ۳۱۸ قبل از میلاد فردی به نام چاندراگوپتا قبایل شمال غرب را علیه مقدونیه‌ها بسیج کرد و سپس خودش حاکم پنجاب و درهٔ سند گردید. پس از او پسر و بعد نوه‌اش آشوکا حاکمیت را در شبه قاره به دست گرفتند که آشوکا مذهب بودا را مورد حمایت خود قرار داد.<sup>۲۰</sup>

تاکسیلا در مجاورت اسلام‌آباد که امروزه به صورت خرابه‌هایی درآمده است زمانی صاحب اولین دانشگاه پزشکی جهان بنام جولیان بود. این شهر در محل تلاقی راههای مختلف آسیای میانه، چین و شبه قاره قرار داشت و جاده ابریشم از آن عبور می‌کرد. از این رو دارای عظمت زیادی بود ولی در دورهٔ تهاجم هونها سفید از مجدو عظمت فرو افتاد. امروزه جز آثار و بقایای تاریخی چیزی در آن باقی نمانده است. با وجود این که تاکسیلا سهم زیادی در پخش بودیسم در منطقه داشته است ولی طبق سرشماری سال ۱۹۸۱ تنها ۲۶۳۹ نفر در پاکستان دارای مذهب بودایی بوده‌اند.<sup>۲۱</sup> این در حالی است که در کشور چین و شرق و جنوب شرق آسیا صدها میلیون نفر پیرو این عقیده هستند.

مذهب سیک نیز در پنجاب متولد و توسعه یافت. باباگرونانک رهبر اصلی سیکها در سال ۱۴۶۹ میلادی در روستای تلوندی در حوالی شیخوپوره متولد شد. این محل که امروزه به ننکانه صاحب معروف است به زیارتگاه بزرگ سیکها در جهان تبدیل شده و هر ساله هزاران سیک به زیارت آن می‌شتابند. مذهب سیک نیز در دورهٔ حاکمیت سیکها بخصوص رانجیت سینگ در پنجاب و لاهور توسعه زیادی یافت. رانجیت سینگ معبد امریتسار را که بین سیکها از شهرت زیادی برخوردار است نیز تزیین کرد.

بخشی از ادبیات هیندوئیسم نیز در پنجاب توسعه یافت. گفته می‌شود که ریگ ودا که قدیمیترین اثر هندوست در پنجاب تصنیف و تدوین شد. از دو سرودهٔ رزمی معروف هندویکی ماهاباراتا (Mahabharata) است که در پنجاب نوشته شده و دیگری رامایانا (Ramayana) است که بعضی معتقدند در لاهور تصنیف گردیده است؛ شهری که توسط لو (Loh) فرزند راما ساخته شد.<sup>۲۲</sup>

بنابراین ملاحظه می‌شود که پنجاب در شکل‌گیری و پخش مذاهب عمدهٔ مشرق و جنوب آسیا سهم قابل توجهی داشته است.

20- Pakistan; Ibid, P. 162.

21- Pakistan statistical Year Book 1994; P. 62.

22- Pakistan; Ibid; P. 162.

پنجاب در حال حاضر از نظر تقسیمات کشوری و اداری، دارای هشت شهرستان به شرح زیر است:<sup>۲۳</sup>

۱- شهرستان لاهور با چهار بخش، به نامهای لاهور، قصور (Kasur)، اوکاره (Okara) و شیخوپوره (Sheikhupura).

۲- شهرستان فیصل آباد با سه بخش، به نامهای فیصل آباد، جهنگ (Jhang)، توبه تک سینگ (Toba Tek singh).

۳- شهرستان راولپندی با چهار بخش به نامهای راولپندی، اتک (Attock)، چکوال (Chakwal)، جهلم (Jhelum).

۴- شهرستان گجرانواله با شش بخش، به نامهای گجرانواله (Gujranwala)، گجرات (Gujrat)، نارووال، سیالکوت (Sialkot)، حافظ آباد، مندی بهاءالدین.

۵- شهرستان مولتان با شش بخش، به نامهای مولتان، پاک پتن (Pak pattan)، ساهیوال، خانیوال، وهاری (Vehari) و لودران (Lodhran).

۶- شهرستان سرگودا با چهار بخش، به نامهای سرگودا، خوشاب، میانوالی، بکر (Bhakkar).

۷- دیره غازی خان با چهاربخش، به نامهای دیره غازی خان (Dera Ghazi Khan)، راجنپور (Rajanpur)، مظفرگړه (Muzaffargarah)، لیه (Leiah).

۸- بهاولپور با سه بخش، به نامهای بهاولپور (Bahawalpur)، بهاول نگر (Bahawalnagar)، رحیم یارخان.

### آسیب پذیری پنجاب:

ایالت پنجاب به دلیل قرار گرفتن در همسایگی کشور هند از حیث ژئوپلیتیکی موقعیت نامناسبی دارد؛ زیرا زنجیره شهرهای مهم آن از لاهور تا اسلام آباد و همچنین شهرهای مرکزی پنجاب از ناحیه ارتش هند آسیب پذیر است؛ بویژه این که منطقه مرتفع کشمیر را نیز در کنترل دارد. این آسیب پذیری از ضلع جنوبی که با هند مرز مشترک دارد نیز وجود دارد. همچنین منابع آب پنجاب هم به دلیل قرار گرفتن سرشاخه های رودخانه های آن در منطقه کشمیر و جاهایی که تحت کنترل هند است تهدید می شود.

در مجموع موقعیت جغرافیایی ایالت پنجاب به دلیل نقش مؤثر این ایالت در سرنوشت پاکستان، و نیز مجاورت با مرزهای هند و کشمیر تحت کنترل آن، باعث تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی پاکستان در منطقه جنوب آسیا شده است. این وضعیت شرایط را به نفع هندوستان تغییر می دهد و این کشور

می‌تواند پاکستان را تحت فشار قرار داده و سیاست خارجی آن را متفعل سازد. از این رو مسأله کشمیر و حضور هند در آن جا به عنوان یک مسئله حیاتی و استراتژیک برای پاکستان تجلی می‌کند و این کشور نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ زیرا امنیت ملی، استقلال سیاسی و سلامت اقتصادی - اجتماعی پاکستان تا اندازه‌ای در گرو حضور یا عدم حضور هند در منطقه کشمیر است.

این وضعیت باعث شده است که توجه به نیروی دفاعی کشور، حمایت از کشمیر و خروج هند از آن سرزمین و همچنین انتظار از کشورهای اسلامی و مجامع بین‌المللی برای محکومیت هند، به صورت یک آرمان عمومی هم برای دولتمردان و هم برای مردم پاکستان؛ بدون در نظر داشتن اختلافات سیاسی داخلی درآید.

### پ) لاهور:

شهر تاریخی لاهور مرکز ایالت پنجاب است که با ارتفاع ۷۰۲ پا از سطح دریا در ساحل چپ رود راوی و در مسیر پیشاور - اسلام‌آباد به دهلی قرار گرفته است.

در آثار مختلف در مورد پایه‌گذاری شهر لاهور به این نکته اشاره شده است که لاهور به وسیله لو (Loh) پسر راما؛ قهرمان رزمی و داستانی مذهب هندو ایجاد شده است. بعد از آن اطلاعات دقیقی درباره اهمیت لاهور در دست نیست. این شهر شهرت و اعتبار خود را مرهون اواخر سلسله غزنویان است که بعنوان پایتخت سیاسی و فرهنگی انتخاب و به غرنی ثانی معروف گردید<sup>۲۴</sup>.

درباره نام لاهور و وجه تسمیه آن اظهار نظرهای مختلفی صورت گرفته است. در خصوص نام نخستین آن دوازده واژه بدین شرح ذکر شده است<sup>۲۵</sup>: ۱- الاوار (Alahvar) ۲- لهور (Lahur/ Lahor) ۳- لوه‌ساور (Lohavar/ Luhavar/ Lauhavar) ۴- لوه‌سور (Lauhur/ Lohor/ Lohur) ۵- لهانور (Lahanour, Lahanor) ۶- لوه‌اوور (Lahavur) ۷- له‌اوور (Lahavor) ۸- لاهور (Lavhur, Laohur) ۹- له‌اور (Lohavar) ۱۰- لانهور (Lanhor) ۱۱- له‌اوور (Lahavar) ۱۲- لاهور (Lahore)

همان‌طور که گفته شد برابر تحقیقات انجام شده تاکنون، اعتبار علمی، فرهنگی و سیاسی لاهور به اواخر دوره غزنویان (۱۱۶۰ م.) بر می‌گردد و قبل از آن شهر مولتان و قبل از مولتان در دوره‌های باستانی تاکسیلا، از اعتبار و اهمیت بالایی برخوردار بوده است. استقرار علی ابن عثمان هجویری عارف معروف شبه قاره و صاحب کتاب کشف‌المحجوب در لاهور، و نیز شعرای معروفی چون مسعود سعدسلیمان و

۲۴- حاج سیدجوادی، سیدکمال، همان، ص ۱۲



ابوالفرج رونی اعتبار مذهبی و فرهنگی خاصی به لاهور دادند. بعدها در سال ۱۲۰۶ م. یکی از سرداران شهاب‌الدین محمد غوری به نام قطب‌الدین ایبک رسماً لاهور را پایتخت خود قرار داد. از آن پس سلسله‌های مسلمان، شهر دهلی را پایتخت خویش قرار داده و لاهور را به آن وابسته کردند. در دوره حکومت بابریان یا تیموریان (۱۵۲۶ م.) هرازگاهی لاهور به عنوان پایتخت انتخاب می‌شد. اکبرشاه، جهانگیر و اورنگ زیب توجه خاصی بدان شهر داشته، و از آن به عنوان مرکز حکومت خود استفاده می‌کردند؛ هرچند آنها بین دهلی و لاهور و حتی کشمیر در حرکت بودند. پس از زوال حکومت تیموریان قدرت به دست سیکها افتاد و تا اندازه‌ای آثار مهم لاهور تخریب گردید. سیکها نیز در سال ۱۸۴۹ م. به دست انگلیسیها از پای درآمدند و قلعه لاهور به دست آنان فتح شد. تا این زمان لاهور به صورت شهری دروازه‌دار و دارای کوچه‌ها و معابر فراوانی بود که امروزه به لاهور قدیم مشهور است و دارای دوازده دروازه بود که عبارتند از: ۱- قادری ۲- یکی ۳- دهلی ۴- اکبری ۵- موچی (کفشدوزان) ۶- شاه عالمی ۷- بهاتی (روبروی مزار هجویری) ۸- مولتانی ۹- موری ۱۰- گکھری ۱۱- کشمیری ۱۲- لاهوری یا لوھاری<sup>۲۶</sup>.

تعدادی از دروازه‌های مزبور به دنبال توسعه شهر لاهور از بین رفته است و تعدادی بازسازی شده و یا همان شکل باقی مانده است. مثلاً دروازه‌های قادری، گکھری و مولتانی توسط انگلیسیها تخریب شد، و دروازه دهلی، شیرانواله، لوھاری و بهاتی هنوز پابرجاست.

آثار باستانی معروف نظیر مسجد پادشاهی، مسجد وزیرخان، مسجد طلایی، قلعه شاهی و نظایر آن در محدوده لاهور قدیم قرار دارد. هم‌اکنون به دور لاهور قدیم خیابان کمربندی احداث شده که بسیار شلوغ و پر تردد است. یکی از مهمترین و بزرگترین بازارهای شهر لاهور و پنجاب در درون لاهور قدیم قرار دارد که به آن نقش اقتصادی و تجاری مهمی بخشیده است.

لاهور در دوره استعمار انگلیس در جریان نهضت‌های استقلال شبه قاره دارای نقشی بسیار مهم بوده است. به عبارتی لاهور به عنوان مرکز تحولات و جریانات سیاسی و فرهنگی بخش غربی شبه قاره عمل می‌کرده است. در سال ۱۹۲۹ م. کنگره ملی هند قطعنامه استقلال کامل هند را در شهر لاهور قرائت کرد. نظریه تاسیس کشوری مستقل برای مسلمانان شبه قاره (شامل پاکستان کنونی، بنگلادش، کشمیر و غیره) توسط علامه دکتر محمد اقبال در لاهور شکل گرفت و در سال ۱۹۳۰ م. در الله‌آباد توسط وی اعلام شد. همچنین قطعنامه مربوط به تاسیس کشور پاکستان در سال ۱۹۴۰ م. از سوی حزب مسلم

لیگ به رهبری محمدعلی جناح در کنار مسجد پادشاهی قرائت شد<sup>۲۷</sup>؛ نقطه‌ای که امروز بنای یادبود یا منار استقلال پاکستان در آن قرار دارد. در حال حاضر هم این نقطه محل تشکیل اجتماعات بزرگ برای برگزاری همایشهای سیاسی و فرهنگی در سطح ملی است. نگارنده خود در یکی دو سال اخیر شاهد برگزاری دو اجتماع بزرگ سیاسی از سراسر پاکستان در محل مزبور بوده است (یکی مربوط به نهضت فقه جعفریه پاکستان در سال ۱۹۹۴ و دیگری مربوط به جماعت اسلامی پاکستان در سال ۱۹۹۵ م). با توجه به اهمیت نقش سیاسی پنجاب در نهضت استقلال سیاسی هند و پاکستان بود که وقتی کراچی به عنوان پایتخت جدید پاکستان مستقل (شامل پاکستان کنونی و بنگلادش) انتخاب شد و لاهور به دلایل مختلف؛ من جمله مشکل امنیتی و نزدیکی به مرز هند برای این منظور انتخاب نگردید، محمدعلی جناح رهبر استقلال پاکستان اعلام کرد: لاهور به عنوان قلب پاکستان باقی خواهد ماند<sup>۲۸</sup>. شهر لاهور از حیث علمی و فرهنگی و دانشگاهی نیز در بخش غربی شبه قاره پیشتاز بوده است. اولین و به عبارتی قدیمیترین مؤسسه آموزش عالی در آسیای جنوب غربی، تحت عنوان دانشکده دولتی لاهور (Government college) در سال ۱۸۶۴ م. در این شهر تأسیس شد<sup>۲۹</sup> که هم اکنون نیز فعال است و اخیراً از استقلال علمی و اداری یک مرکز دانشگاهی برخوردار شده است.<sup>۳۰</sup>

در سال ۱۸۷۰ م. دانشکده خاور شناسی لاهور تأسیس شد. این دانشکده در سال ۱۸۸۲ م. به دانشگاه پنجاب تبدیل گردید<sup>۳۱</sup>. همچنین در زمینه‌های آموزش پزشکی، کشاورزی، دندانپزشکی، دامپزشکی، علوم فنی و مهندسی و ... اولین مؤسسات آموزشی بخش غربی شبه قاره در لاهور تأسیس شد. در واقع لاهور به عنوان مرکز تحول علمی، آموزشی و فرهنگی بخش غربی شبه قاره؛ که بخش عمده آنرا پاکستان کنونی تشکیل می‌دهد شناخته می‌شود. لاهور در زمینه مسائل هنری، فیلم و سینما، همچنین مسائل مطبوعاتی و انتشاراتی و چاپ و نشر کتاب دارای سابقه‌ای دیرینه بوده و پیشتاز تمام شهرها و ایالت‌های پاکستان کنونی است و این برجستگی و ارشدیت را هم‌اکنون نیز داراست. اولین کتابخانه عمومی پاکستان تحت عنوان «کتابخانه عمومی پنجاب» در سال ۱۸۸۴ م. در لاهور تأسیس

27- Pakistan; Ibid; P. 147.

28- Ibid.

29- Garewal, Sher Mohammad; A history of Government College - Lahore; Government College; Lahore, 1989.

30- The News; Sunday; 13 May 1996.

31- Akram, Mohammad; Faculty of Islamic and Oriental Learning; University of the Pungab; Lahore; 1991; P. 1-3

شد. همچنین اولین موزه پاکستان در سال ۱۸۵۵ م. در لاهور پایه‌گذاری شد که از این جهت نیز لاهور نسبت به سایر ایالتها و شهرها برجسته‌تر است و موزه لاهور بزرگترین و غنیترین موزه پاکستان محسوب می‌شود.

بنابراین مشخص می‌شود که لاهور در یک و نیم قرن اخیر همانند عصر غزنویان و تیموریان نقش فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای پیدا نموده و اگرچه نتوانسته است بر کل شبه قاره تأثیر بگذارد؛ دست کم بر بخشهای غربی و شمالی شبه قاره؛ بویژه پاکستان کنونی اثر گذاشته و به عنوان مرکز تحول و پخش پدیده‌ها شناخته شده است. البته در این جا یک تفاوت وجود دارد و آن این که در عصر غزنویان و تیموریان، جهت حرکت پدیده‌های فرهنگی از غرب به شرق بوده است؛ یعنی در این جریان مبدأ پدیده‌های فرهنگی، فلات ایران یا آسیای میانه بوده که ابتدا به لاهور منتقل شده و سپس از لاهور به سوی شرق و شبه قاره و منطقهٔ دهلی منتشر می‌شده‌اند.

در دورهٔ جدید که مقارن با استعمار انگلیس و اندکی بعد از استقلال پاکستان است جریان مزبور وارونه گردیده و جهت جریان از شرق به غرب تغییر کرده است. یعنی پدیده‌های فرهنگی از شبه قاره به لاهور و سپس به بخشهای دیگر پاکستان غربی و حتی افغانستان و جنوب شرق ایران منتشر شده‌اند. بعد از استقلال پاکستان به دلیل آسیب‌پذیری امنیت از طرف ارتش هند و ظهور شرایط انزوای جغرافیایی برای لاهور، همچنین ایجاد مرز نفوذناپذیر بین هند و پاکستان، جریانات برون مرزی فرهنگی ضعیف شد و لاهور براساس پیشینهٔ فرهنگی، ریشهٔ تاریخی و خزانهٔ پر بار فرهنگی خود توانست نقش آفرینی کند.

در شرایط جدید رقبای تازه‌ای در برابر لاهور قد علم کرده‌اند که هم‌اکنون به سرعت دچار تحول فرهنگی هستند و به عنوان مرکز جذب پدیده‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی از خارج مرزها و توزیع آن در پهنهٔ سرزمین پاکستان عمل می‌کنند. این رقبا در وهلهٔ اول کراچی و سپس اسلام‌آباد هستند.

پیش‌بینی می‌شود که کراچی و اسلام‌آباد در آینده نقش مهمتری در این رابطه به عهده بگیرند که در آن صورت لاهور و پنجاب تنها به عنوان کانون اصلی پدیده‌ها و میراث فرهنگی بومی شده، که تا اندازه‌ای نیز تحت تأثیر فرهنگ خاص شبه قاره و دورهٔ استعمار انگلیس می‌باشد باقی خواهد ماند و مانند گذشته نقش فعالی در زمینهٔ جذب و توزیع عناصر فرهنگی جدید نخواهد داشت. برعکس نقش کراچی و اسلام‌آباد به دلیل تماس مستقیمتر با دنیای خارج بیشتر خواهد شد. به همین دلیل است که بعد از استقلال پاکستان موقعیت ژئوپلیتیکی لاهور در مجموعهٔ پاکستان روند نزولی داشته است. این مشکل را موقعیت جغرافیایی حاشیه‌ای لاهور بر آن تحمیل نموده است.

با این حال لاهور در آینده نیز می‌تواند با تکیه بر تواناییهای فرهنگی و استعدادهای محلی و

درونی خود کماکان نقش برجسته‌اش را حداقل در منطقه پنجاب حفظ کند. البته اگر در مناسبات هند و پاکستان تحوّل مثبتی رخ دهد؛ بطوری که هم مشکل امنیت و تهدیدات حل شود و هم راه ارتباط با شبه‌قاره هموار شود امکان احیای مجدد نقش لاهور به عنوان مرکز جذب، تولید و انتشار عناصر فرهنگی و نوآوریها وجود خواهد داشت. نظیر نقشی که برای شهر مشهد پس از بروز تحوّل در شوروی سابق پیش آمد که براساس آن جهت توجّه و حرکت آسیای میانه به سوی جنوب تنظیم شد و مشهد مرکز و کانون جذب و مبادله عناصر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بین شمال و جنوب گردید و احداث خط آهن مشهد - سرخس تجن را اجتناب ناپذیر نمود.

علی‌رغم این موضوع، لاهور در درون خود استعدادهای زیادی دارد. وجود قسمت عمده تواناییها و ذخایر فرهنگی و اجتماعی بخش غربی شبه قاره؛ بخصوص پاکستان کنونی مانند دانشگاههای کهن و بزرگ، کتابخانه‌ها، مراکز انتشاراتی، روزنامه‌ها و مطبوعات، فرهنگ قضایی، مراکز هنری، فیلم، سینما و صنایع دستی، تخصصهای مختلف علمی در زمینه‌های پزشکی، کشاورزی و ...، قابلیت‌های اقتصادی، جاذبه‌های توریستی نظیر بناها و یادمانهای تاریخی و باستانی، پارکهای زیبا و بزرگ مانند جلو پارک، چانگامانگا، ریس کورس، جناح و غیره؛ مراکز دینی و مذهبی نظیر حوزه‌های بزرگ علمی شیعه و سنی، مزار هجویری، مقابر عرفا؛ مرکز تجمع جماعت تبلیغی در رای وند، مراکز مذهبی سیکها، مرکز فرهنگی الحمراء، مزار و ادبیات فکری و فرهنگی علامه اقبال به عنوان شخصیت مقبول اقشار مختلف در پاکستان، ارتباطات مستقیم هوایی یا زمینی یا رسانه‌ای با خارج از مرزهای پاکستان، برگزاری پدیده‌های فرهنگی در سطح ملی نظیر نمایش سالیانه «هورس اند کتل شو» (Horse and Cattle Show) یا نمایش بازی حیوانات نظیر اسب و گاو و گوسفند که با لباس و رقص و مسابقه و سوارکاری و صنایع دستی توأم بوده و از تمام ایالت‌های پاکستان در آن مشارکت دارند، موقعیت سوق الجیشی برای دفاع یا تهاجم و لزوم استقرار دائمی واحدهای ارتش در آن، و بالاخره ریشه فرهنگی و سیاسی ویژه و فراخور به لاهور بخشیده است.

این ویژگیها و ذخایر می‌تواند به حفظ موقعیت مرکزی لاهور به عنوان نقطه‌ای با کارکردها و نقش برجسته در سطح ملی و یا حداقل ایالتی کمک کند و از تأثیر موقعیت جغرافیایی آن که باعث رکود و سقوط نقش ویژه آن می‌شود ممانعت به عمل آورد. هرچند رقبا یعنی کراچی و اسلام‌آباد همچنان از روند رشد یابنده‌ای برخوردار خواهند بود؛ زیرا برخی نیازها و ملاحظات بعضاً ملی، سیاستهای دولت را نیز در این راستا شکل می‌دهند. به عبارتی توسعه اسلام‌آباد و افزایش کارکردهای آن در سطح ملی و بین‌المللی از پشتوانه حکومتی بهره‌مند می‌باشد.